فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc472414271)

[وجوه عدم انشاء تکلیف برای نسل‌های آینده 2](#_Toc472414272)

[وجه اول: عدم جواز تکلیف معدوم و معقول نبودن آن. 2](#_Toc472414273)

[**نقد وجه اول**: 2](#_Toc472414274)

[وجه دوم: عدم شمول ظهورات برای معدومین 2](#_Toc472414275)

[نقد وجه دوم: 2](#_Toc472414276)

[وجه سوم: عدم صحت توجیه خطاب به معدوم 3](#_Toc472414277)

[وجه چهارم: ظهور عرفی خطاب در موجودین 3](#_Toc472414278)

[نقد وجه سوم و چهارم: 3](#_Toc472414279)

[مبنای متکلم بر ماندگاری سخن یا مضیق کردن سخن به دوره خاص 3](#_Toc472414280)

[قرار شارع بر ابدیت سخن برای حاضرین و معدومین 4](#_Toc472414281)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ شمول خطاب نسبت به غیرمشافهین و معدومین

# اشاره

چهار مطلب اساسی در شمول خطابات به غیر المشافهین وجود دارد، اینکه خطابات عصر صدور و عصر معصومین نمی‌تواند اعصار بعدی را در بر بگیرد به یکی از چهار وجه برمی‌گردد که عبارت‌اند از:

### **وجوه عدم انشاء تکلیف برای نسل‌های آینده**

#### وجه اول: عدم جواز تکلیف معدوم و معقول نبودن آن

#### **نقد وجه اول:**

 تکلیف فعلی، مکلف فعلی می‌خواهد، اما در انشاء تکلیف و قضیه‌ی حقیقیه نیازی به وجود مکلف نیست، بعضی قوانین وضع شده و بعدها کسانی موجود می‌شوند و باید این قوانین را رعایت کنند.

#### وجه دوم: عدم شمول ظهورات برای معدومین

ظهورات به‌طورکلی شامل معدومین نمی‌شوند، از جهت اینکه بعضی از سخن‌ها در جایگاه خود یک قرائن حالیه حافه‌ای دارد که در شرایط بعدی کسی نمی‌تواند آن سخن را بفهمد.

مطلب دوم از بحث‌های هرمنوتیکی بسیار مهم است، بحث‌های هرمنوتیکی سطحی دارد که گاهی ظهورات معقول نیست و گاهی از نظر عرفی قابل دسترسی نیست.

#### نقد وجه دوم:

متکلم به دو صورت می‌تواند صحبت بکند:

1- متکلم سخن خود را وابسته به قرائن و شرائط مکانی و زمانی قرار می‌دهد که اگر همیشه بخواهد فهمیده بشود، باید همه شرایط مکانی و زمانی را بازسازی کرد.

2- متکلم حکیمی می‌باشد که در سطح شارع هست، سخن خود را طوری تنظیم کرده که در حد متعارف وابسته به زمان و مکان هست، اما وابسته به مکان یا زمان خاص نیست و بعداً دیگران هم می‌توانند از کلام او استفاده بکنند.

#### وجه سوم: عدم صحت توجیه خطاب به معدوم

توجیه خطاب به معدوم صحیح نیست، اصل تکلیف به نحو قضیه‌ی حقیقیه که در ظرف خودش فعلی بشود؛ مانعی ندارد، اما تکلیف به خاطر اینکه به شکل خطاب ارائه می‌شود؛ خطاب به معدوم جایز نیست، از نظر عقلی اگر کسی را بخواهید مورد خطاب قرار بدهید باید موجود باشد.

#### وجه چهارم: ظهور عرفی خطاب در موجودین

ظهور عرفی خطاب این است که باید مخاطب حین خطاب موجود باشد.

#### نقد وجه سوم و چهارم:

اگر قرائنی وجود داشت که خطابات شارع مستقبل و آیندگان را در بر می‌گیرد، در این صورت خطاب مشکلی ندارد.

# مبنای متکلم بر ماندگاری سخن یا مضیق کردن سخن به دوره خاص

ادبیات و مبنای اساسی شارع در این بحث بر چه چیز استوار بوده است؟ تمام بحث‌هایی که ذکر شد به این نکته بر می‌گردد که آیا گوینده‌ای یا قانون‌گذاری یا سخنران و امثالهم؛ بنایش این است که سخن و قانون او ماندگار باشد و برای نسل بعد و غیر مشافهین و معدومین؛ اعتبار داشته باشد، یا چنین قراری نیست؟ از نظر عقلی مانعی ندارد که خطاب برای نسل‌های آینده باشد، بلکه قرار متکلم مهم است و بر اساس این قرار نظام ظهورات خود را از قیدهای غیر قابل شناخت آزاد کرده است و این قرار و مبنایی که در مطلب اول و دوم بیان شد، به شکل قطعی و واضح از کلام شارع استفاده بشود.

می‌شود مجموعه‌ای از قرائن را کنار هم قرار داد و قرارها را اثبات کرد، در خطبه غدیریه این‌طور آمده که؛ «**فَلْيُبَلّغْ الشاهد الغائب**»[[1]](#footnote-1) به صورتی بوده که حضرت فرمودند به نسل‌های بعدی هم انتقال بدهید و به دیگران هم بگویید، تبلیغ الفاظ از حیث اینکه دارای معانی و حامل محتواست می‌فرمایند به دیگران انتقال بدهید.

نمونه دیگر؛ تأکیدات بلیغ و متعدده مبنی بر حفظ احادیث و صیانت از احادیث شیعه هست، جلد سوم فقه تربیتی مربوط به این نکته است.

شاهد دیگر؛ آنجاهایی که در قرآن یا در روایات «**بیان للناس**» یا «**من بلغه کتابی**» یا «**ربَّ حامل فقهٍ الی من هو افقه منه**»[[2]](#footnote-2) ذکر شده و موارد دیگر از این قبیل هستند.

اگر فردی بخواهد روایات و اخبار را کنار بگذارد، فقط بعضی چیزهای یقینی و عقلی باقی می‌ماند و اینکه بگوییم؛ «**حَلَالُ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»[[3]](#footnote-3) مخصوص کسانی هست که یقینی و عقلی باشد، دائره احکام بسیار ضیق می‌شود، بلکه این آیات و روایات به‌گونه‌ای تنظیم‌شده که برای همیشه هست.

# قرار شارع بر ابدیت سخن برای حاضرین و معدومین

مجموعه این شواهد و قرائن تردیدی بر دو مقدمه باقی نمی‌گذارد که قرار شارع بر تنظیم ابدی است و امکان مراجعه آیندگان به متون و منابع هست، قرار شارع این نیست که دستگاه لفظی درست کرده باشد که بعدی‌ها هم در این مشترک هستند، اگر بخواهیم بگوییم که متقدمین و متأخرین احکام مشترک دارند؛ به دو گونه می‌شود تقریر کرد:

1- در آن زمان دلالت‌ها منعقد شد، احکام از آن‌ها استفاده شد، هر چه متقدمین استفاده کرده‌اند؛ متأخرین در آن شریک هستند.

2- حامل‌های احکام ماندگار است و ظرفیت استفاده تا ابد را دارند.

 گفته می‌شود که دومی بعید نیست و از الفاظ و قرائن می‌شود استفاده کرد.

1. - خطبه غدیریه [↑](#footnote-ref-1)
2. - امالی مفید ؛ مجلس 23 ص 186 [↑](#footnote-ref-2)
3. - الكافي : ج 1 ص 58 [↑](#footnote-ref-3)